روزنامه شرق

یکشنبه ۲۱ شهریور ۱۳۸۹ ■ ۳ شوال ۱۴۳۱ ■ ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۰ ■ سال پنجم ■ شماره پیاپی ۱۰۵۹

شماره ۱۳۵ دوره جدید ■ ۱۲ صفحه + ۱۶ صفحه اول هفته شرق ■ استثنائاً ۱۰۰۰ تومان

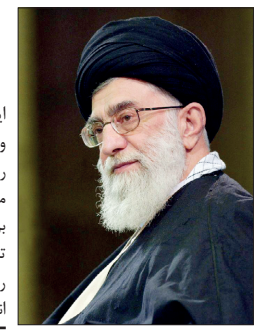

مقام معظم رهبری: برخی درصددند پاکستان را به پادگان نظامی تبدیل کنند

ایران اسلامی روز جمعه در خجسته عید سعید فطر یکپارچه نور و نیایش و سجود شد و ملت مومن و شریف ایران پس از یک ماه روزه‌داری و عبادت از خداوند کریم مسالت کرد خیرات و حسنات محمد و آل محمد (صلوات الله علیهم اجمعین) را عیدی این ملت بزرگ قرار دهد. در کانون این همایش عظیم ملی، مردم موحد تهران نماز عیدالله الاکبر را به امامت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی اقامه کردند. به گزارش ایسنا، رهبر انقلاب اسلامی در خطبه‌های نماز ... صفحه ۲

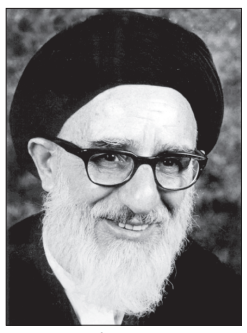

گفت‌وگو با حسین اعلایی‌طالقانی فرزند آیت‌الله طالقانی
پدرم عقیده‌ای را به کسی تحمیل نمی‌کرد

حسین اعلایی‌طالقانی یکی از ۱۰ فرزند آیت‌الله سیدمحمود طالقانی است که تاکنون کمتر سخنی درباره شخصیت و مبارزات پدرش گفته یا با نشریه‌ای گفت‌وگو کرده است برخلاف خواهرش اعظم طالقانی یا برادر دیگرش مهدی طالقانی. او در طالقان زندگی می‌کند. در روستایی به نام گلیرد. زادگاه پدری. به کار کشاورزی مشغول است و نسبتی با سیاست رایج و کارهای دولتی ندارد. در آستانه سالگرد درگذشت پدرش که بی‌شک از برجسته‌ترین آزادیخواهان تاریخ معاصر ایران است ... صفحه ۱۰ ضمیمه

دادستان تهران با رد خبر مهمانپرست درباره «سارا شورد» متهم امریکایی اعلام کرد

آزادی فقط با نظر دستگاه قضایی

گروه سیاسی: دادستان تهران وعده دولت مبنی بر عفو و آزادی «سارا شورد» یکی از شهروندان امریکایی که از سال گذشته در بازداشت ایران به سر می‌برد را منتفی دانست. شماگاه جمعه گذشته و ساعتی بعد از آنکه رامین مهمانپرست سخنگوی وزارت خارجه اعلام کرد «با توجه به پیگیری‌های شخص محترم ریاست جمهوری و با توجه به اصل رافت اسلامی و نگاه ویژه نظام جمهوری اسلامی ایران به شأن زنان در آستانه فرارسیدن عید سعید فطر تصمیم به آزادی ایشان گرفته شد» جعفری‌دولت‌آبادی دادستان عمومی و انقلاب تهران ضمن رد این موضوع گفت: به دلیل عدم طی شدن فرآیند قضایی در پرونده متهم امریکایی یادشده، آزادی وی که برخی سایت‌های خبری اعلام کرده‌اند منتفی است. اگرچه دادستان عمومی و انقلاب تهران منبع انتشار خبر آزادی تبعه امریکایی را «برخی سایت‌ها» عنوان کرد اما نگاه‌ها بلافاصله به سوی سخنگوی دستگاه دیپلماسی متوجه شد، چرا که این رامین مهمانپرست بود که برای نخستین بار این خبر را اعلام کرده بود و متعاقب آن بود که برخی منابع خبری به نقل از مسوولان دولتی از تشریفات ویژه آزادی سارا شورد خبر دادند. اگرچه برخی منابع اعلام کرده بودند مراسم آزادی وی در تالار حافظیه کاخ سعدآباد و با حضور یکی از معاونان رئیس‌جمهور برگزار خواهد شد اما مدیرکل مطبوعات و خبرگزاری‌های داخلی وزارت فرهنگ و ارشاد با بیان اینکه «این حرکت در پرتو رافت اسلامی و عید سعید فطر» انجام می‌شود به «ایرنا» گفت: «قرار است شهروند امریکایی طی مراسمی که ساعت ۹ صبح روز شنبه ۲۰ شهریور در هتل استقلال تهران برگزار خواهد شد، آزاد شود.» در همین راستا بود که دفتر نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد تایید کرد سارا شورد یکی از سه امریکایی زندانی در بازداشتگاه اوین به زودی آزاد خواهد شد. در این اثنی برخی از دعوت خانواده‌ها و اصحاب رسانه به محل برگزاری مراسم آزادی خبر دادند و برخی از تقویت احتمال آزادی دو تبعه دیگر؛ اخباری که دیری نپایید و از سوی دادستان تهران رد شد. اگرچه رامین مهمانپرست با رد هر گونه نیت سیاسی برای این تصمیم تاکید کرده بود: «موضوع یادشده صرفاً امری قضایی است و در این چارچوب پیگیری می‌شود لذا هر گونه تلاش برای تاثیرگذاری بر پرونده قضایی نامبردگان از طریق فشارهای سیاسی یا سناریوهای رسانه‌ای اخیر در برخی شهرهای اروپایی هیچ‌گونه تاثیری بر رویکرد مستقل قوه قضائیه در این زمینه نخواهد داشت» توضیح نداد که اگر موضوع همان‌گونه که وی بر آن تاکید دارد «قضایی» است و اگر بنا بر اطلاع رسانی باشد باید از سوی دستگاه قضایی صورت بگیرد اما دادستان تهران بر این نکته انگشت گذاشت و گفت: خبر منتشره مورد تایید دستگاه قضایی نیست و طبعاً هر گونه تصمیم‌گیری درباره متهمان یادشده منوط به سپری شدن مراحل قضایی است. و البته بار دیگر تاکید کرد موضوع آزادی یکی از سه تبعه امریکایی بازداشت‌شده منتفی است. ادامه در صفحه ۲

هادی خانیکی در گفت‌وگو با شرق

۱۱ سپتامبر جغرافیای گفت‌وگو را تغییر داد

روزنامه شرق — سال پنجم ■ شماره ۱۰۵۹ ■ یکشنبه ۲۱ شهریور ۱۳۸۹

ادامه از صفحه اول .....

– با توجه به همزمانی حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر و نامگذاری این سال به عنوان سال گفت‌وگوی تمدن‌ها این اتفاق چه تاثیری بر این موضوع گذاشت؟

حدود یک سال پیش از ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی بر اساس پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران و با تصویب اکثریت اعضای مجمع عمومی سازمان ملل متحد، سال ۲۰۰۱ سال گفت‌وگوی تمدن‌ها نام گرفت. طبیعتاً اتفاق تروریستی ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ و همزمانی آن با موضوع گفت‌وگوی تمدن‌ها این سوال را مطرح کرد که آیا امکان و زمینه گفت‌وگو بین تمدن‌ها و ادیان وجود دارد یا با توجه به وقوع چنین حادثه‌ای باید آن را فراموش کرد؟ در واقع ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ دو پرسش و رویکرد متفاوت را در جهان به وجود آورد؛ یک رویکرد نیاز به گفت‌وگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها را بر اساس آسیب‌پذیری ناشی از این حادثه مطرح می‌کرد و رویکرد دیگر بیانگر عدم امکان برقراری هرگونه گفت‌وگویی بین گشوده‌ها و فرهنگ را از دست رفته می‌دید و با توجه به اتفاق پیش‌آمده آن را مشکل اعلام کرد.

– واکنش دولت جمهوری اسلامی خصوصاً به عنوان کشوری که پیشنهاددهنده گفت‌وگوی تمدن‌ها بود، در قبال این حادثه تروریستی چه بود؟

با توجه به اختلاف زمانی این ساحت در ایران نیز مطرح شده و مسوولان مترصد این بودند که موضع‌گیری درستی را در این خصوص اتخاذ کنند به گونه‌ای که روند گفت‌وگوی بین تمدن‌ها امکان پیشرفت پیدا کند. شاید بتوان گفت نقطه مهم این تصمیم‌گیری پیام به موقع جمهور اسلامی ایران بود به گونه‌ای که ما جزء نخستین کشورهایی بودیم که این حادثه تروریستی را با تاکید بر اینکه تروریسم، خشونت و زور نسبتی با فرهنگ، دین و باورادیان‌های سیاسی ندارد محکوم کردیم. بر اساس بیانیه رئیس‌جمهور وقت تاکید بر خشونت و زور نفی وجود دیگری را نکته بر گفت‌وگو تاکید بر وجود دیگری است. در آن شرایط این بیانیه سامان دادن به اوضاع سیاست خارجی کشور در قبال چنین حادثه‌ای بود. اگر بخواهیم تاریخی نیز به موضوع بنگریم تاکید مجدد بر گفت‌وگوی تمدن‌ها بود. رئیس‌جمهور ایران در مجمع عمومی سازمان ملل که به دلیل حادثه ۱۱ سپتامبر سه ماه دیرتر برگزار شده بود با تاکید بر نقد تروریسم از دیدگاه مذهب و اخلاق، تروریسم را نتیجه پیوند تعصب کور با قدرت که در خدمت توهم سازمان‌یافته قرار دارد دانست و به طور مطلق تروریسم و تکیه بر زور را در مجمع عمومی سازمان ملل نقد کرد. در آن جلسه از منظر جمهوری اسلامی تاکید شد که «تروریسم چیزی نیست جز بهره‌گیری از شیوه‌های رعب‌آمیز برای وصول به اهداف سیاسی غیرمتناسب که از هر بعضی از حوزه از دین برای رسیدن به هدف استفاده دارد می‌کند تا فتح نور را کم کند در حالی که به طور مضاعف به دین و سلامت جامعه بشری لطمه وارد می‌کند.

– چنین موضع‌گیری‌ها و اظهاراتی چه تاثیری بر وضعیت سیاست خارجی کشور و جایگاه جمهوری اسلامی به عنوان یک حکومت دینی در جهان گذاشت و تا چه میزان موفق شد انگشت اتهام را از سوی مسلمانان دور کند؟

موضع‌گیری درست و رویکرد مناسبی که اتخاذ شد تاثیر بسیاری در کم کردن اسلام‌هراسی و کاهش هراس از اسلام که ناشی از حوادث ۱۱ سپتامبر بود در آمریکا و جهان به وجود آورد. در آن زمان رویکرد دوگانه‌ای در خصوص اسلام و غرب به وجود آمده بود که اسلام را در مقابل غرب قرار داده بود اما موضع درست ما سبب شد این مسأله عنوان شود که می‌توان سیاسی‌ترین دین را مسلمان‌ها داشته باشند و اسلام‌هراسی می‌کند و نسبتی با اسلام و مسلمانان ندارد. همچنین در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی نیز متفکران و نهادهای مدنی وارد کار شدند و توانستند از اصطکاک بین اسلام و غرب و رایج نظریه برخورد تمدن‌های هانتینگتون بکاهند.

– در نهایت پس از حادثه ۱۱ سپتامبر نظریه برخورد تمدن‌ها توانست تا حدودی از به وجود آمدن فضای بر تنش بین اسلام و دنیای غرب بکاهد و دیدگاه‌ها را تغییر دهد.

اگر بخواهیم با منطق گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها با این مقوله برخورد کنیم از چند منظر این موضوع قابل بحث است نخست نتیجه این اتفاق این بود که نگاه امنیتی را نسبت به جهان تغییر داد. وقوع این حادثه منجر شد که این شبکه که نظریه‌پردازان جهانی متوجه شوند در قالب نظام‌های پیشین نمی‌توان امنیت جهان را تضمین کرد و بازنگری در سیاست امنیت بین‌الملل یک ضرورت است. بنابراین با تکیه بر قدرت و قابلیت‌های نظامی امنیت را تضمین کرد و نگاه مرکزمحوری را تغییر داد. تا آن زمان به کشورهای حاشیه‌ای توجه نمی‌شد و افغانستان و حضور افاعده در آنجا یک مساله حاشیه‌ای مطرح می‌شد که تاثیر چندانی در نظم عمومی جهان و بر قرارای امنیت نداشت اما وقوع این اتفاق که مرتبط آن در افغانستان بود نشان داد حاشیه نیز می‌تواند خطرساز باشد، یعنی قدرت نظامی متمرکز نمی‌تواند به تنهایی حافظ امنیت باشد و کشورهای حاشیه‌ای نیز می‌توانند امنیت قدرت‌های بزرگ را تضعیف کرده و به آن صدمه برنند. پس از این بحث‌های بیوتروریست به این ضعف پی بردند. پس از این بحث‌های بیوتروریست به همین دلیل به وجود آمد.

– مساله امنیت جهانی چه ربطی به بحث گفت‌وگوی تمدن‌ها دارد؟

توضیح می‌دهم. همان‌طور که گفتم نخستین رویکرد در قبال این حادثه تغییر سرشت امنیت بین‌الملل بود به این منظور که در کریه‌های امنیتی از دولت‌ها صور کرد و بازنگران پسامدرنی یعنی نهادهای غیردولتی، مدنی، علمی، دانشمندان و اندیشمندان و همچنین بازیگران فراملتی نظیر نهادهای بین‌المللی نقش بیشتری را در برقراری امنیت پذیرا شدند. وجود این جریان‌ها و گروه‌ها به حوزه امنیت جهانی ناشی از همان نظریه گفت‌وگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها است که نقش بیشتری به نهادهای مدنی می‌دهد و باعث می‌شود تا آنان بتوانند با ایجاد گفت‌وگو و ارتباط بین کشورها از طرق فرهنگی از تنش‌ها بکاهند و ضریب امنیت را افزایش دهند. البته این حادثه تروریستی منجر به تغییر گفتمان سیاسی بین‌المللی نیز شد. تا قبل از ۱۱ سپتامبر جهان به دو بخش مرکز و حاشیه تقسیم شده بود و گفت‌وگوی سیاسی بین کشورهای مرکزی که بیشتر شامل کشورهای غربی و صنعتی می‌شد روابط داشت و کشورهای حاشیه‌ای در این گفت‌وگو نقشی نداشتند. از نظر مرکز کشورهای فرهنگ و تمدن کشورهای حاشیه‌ای رو به زوال تاریخی و اشاعه خشونت بودند و نیازی به انجام گفت‌وگو با آنان نبود. اما این حادثه نشان داد که خشونت این کشور می‌تواند تمامی کشورهای مرکزی را نیز بگیرد و بر عکس تصور کشورهای حاشیه‌ای رو به زوال و از بین رفتن نیستند و انقلاب‌ها به آنان توجه کرد و آنان را وارد گفت‌وگوی سیاسی بین‌المللی کرد. در نتیجه سیاست‌ها رفت به سمتی که به جای گفتمان مرکزگرای غربی، گفتمان متکثر و متنوع جهانی حاکم شد و سهمی برای گفت‌وگو با حاشیه نیز قائل شدند که این نیز توجه به گفت‌وگوی تمدن‌ها را بیشتر از قبل نشان داد. سومین تغییر نیز در الگوی ارتباطات شکل گرفت. ایده‌های مطرح در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ بیانگر این بود که نظم ارتباطی یکسویه برقرار است چارچوب انقلاب ارتباطات (ارتباطات بین کشورها برقرار می‌شود، که این‌گونه نهادها در چارچوب گفت‌وگو و تعامل شده بود و الگوهای جدید را سلوک کرد. یعنی بحث گفت‌وگوی تمدن‌ها که آیا با برقراری ارتباط‌های چندسویه فرهنگ‌های گوناگون می‌توان جلوی کاهش دادا و هدای را به این بست کشاند و گفت‌وگو یک ضرورت است یا خیر دیوارهای بی‌اعتمادی و کاستن غیریت

گروه سیاسی، ریحانه طباطبایی: سال‌های پیش یکی از مسوولان وزارت امور خارجه فرآیند تصمیم‌گیری برای مواجهه با حادثه ۱۱ سپتامبر را این‌گونه شرح داد که پس از وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران باید تکلیف موضع‌گیری این دستگاه و همچنین مسوولان کشور را در خصوص این حادثه ظرف چند ساعت و تا قبل از نیمه‌شب روشن می‌کرد و پیشنهاد خود را در مورد چگونگی واکنش به این جنایت، برای تصمیم‌گیری مسوولان عالی کشور به آنان منعکس می‌کرد. از منظر وزارت خارجه وقت در یک عملیات تروریستی چند هزار انسان که غالباً نسبتی هم با دولت‌شان نداشتند، در شرایط غیرجنگی، توسط تروریست‌ها کشته شده بودند. اینکه چه کسی عامل این جنایت باشد و چه هدفی را برای جنایت خود دنبال کرده، چیزی را در اصل موضوع تغییر نمی‌داد. این جنایت باید به شدت و با صراحت محکوم می‌شد. اما مهم‌تر از همه این بود که ایران در حوادث مشابه توسط مخالفانش مورد اتهام قرار می‌گرفت. اگر برای همه ضروری بود که جنایت را محکوم کنند، برای ایران ضرورت مضاعف داشت که با محکوم کردن این جنایت نه‌تنها موضع شفاف خود را بیان کند بلکه با ابتکار و سرعت عمل، عملکرد تبلیغاتی مخالفانش را نیز خنثی کند. همچنین محکوم کردن جنایت طی موضع‌گیری وزارت امور خارجه مناسب بود اما کافی نبود. موضع رئیس‌جمهور خیلی بهتر شنیده می‌شد و می‌توانست فضای تبلیغاتی مخالفان ایران را کاملاً خنثی کند، خصوصاً که هنوز ساعتی از حادثه نگذشته بود که رهبران اسرائیلی کار خود را آغاز کردند؛ باراک و نتانیاهو نخست‌وزیران سابق و اسبق اسرائیل جزء اولین شخصیت‌های سیاسی بودند که کارشان را رها کرده و به تحلیل این حادثه مشغول شدند. جالب آن بود که آنان از مطرح کردن افغانستان به عنوان یک مرکز تروریستی خودداری می‌کردند و برای این مرکز تروریستی اولویت قائل نبودند و تاکید داشتند این جنایت از کشورهایی مانند ایران رهبری شده است. به همین دلیل با توجه به اینکه هنوز تصمیم رئیس‌جمهور مشخص نبود، در وزارت امور خارجه از همکاران حوزه مربوط به سخنگو و رسانه‌ها خواسته شد دو متن یکی برای پیشنهاد به رئیس‌جمهور و دیگری برای موضع‌گیری احتمالی وزارت امور خارجه آماده کنند. همزمان از دکتر خانیکی معاون وزیر علوم وقت و مشاور رئیس‌جمهور که قلمی مورد تایید داشت، تقاضا شد متنی را برای پیشنهاد به رئیس‌جمهور آماده کند. ظرف ۲۴ ساعت پس از حادثه تمامی رهبران جهان این عملیات تروریستی را محکوم کردند و هیچ‌کس نمی‌توانست در مقابل این ماجرا سکوت کند اما کمتر پیامی کارکرد پیام رئیس‌جمهور ایران را داشت. در پیام رئیس‌جمهور ایران حرف چندان تازه‌ای که از پیش از آن از سوی ایشان بیان نشده باشد، وجود نداشت. تنها با متن شیوا و دقیقی به مردم امریکا تسلیت گفته شده بود و تروریسم به هر شکل و هر جا محکوم شده بود. هیچ لطفی به دولت امریکا نیز در آن دیده نمی‌شد. اما تصمیم به موقع و سریع ایران در موضع‌گیری تاثیر زیادی داشت. امسال و به بهانه سالگرد آن حادثه و بیانیه، با هادی خانیکی درباره آثار و تبعات ۱۱ سپتامبر گفت‌وگو کرده‌ایم. ادامه در صفحه اول ضمیمه

پس از یک سال کشمکش بین ایران و موزه بریتانیا

منشور حقوق بشر کوروش به ایران آمد

گروه جامعه، حمیدرضا ابراهیم‌زاده: منشور حقوق بشر کوروش پس از ۴۰ سال اگر نه به زادگاه جغرافیایی که به زادگاه معنوی خود بازگشت. این استوانه تاریخی باارزش پس از یک سال کشمکش سازمان میراث فرهنگی و گردشگری ایران و موزه ملی بریتانیا به ایران آمده تا به مدت چهار ماه به نمایش عمومی گذاشته شود. این اثر باستانی روز جمعه «با تدابیر ویژه امنیتی» وارد کشور شد و دیروز در «محفظه‌ای شیشه‌ای در موزه ملی ایران» قرار گرفت. منشور حقوق بشر کوروش لوحی از گل پخته است که در سال ۵۳۸ پیش از میلاد به فرمان کوروش دوم هخامنشی پادشاه و بنیانگذار شاهنشاهی هخامنشی نگاشته شده است. این استوانه در سال ۱۲۸۵ میلادی هنگام کاوش‌های باستان‌شناسی هیات بریتانیایی در محوطه باستانی بابل در بین‌النهرین (میان‌رودان) توسط هرمزد رسام باستان‌شناس بریتانیایی آسوری‌تبار کشف شد و بعد از آن به موزه ملی بریتانیا منتقل شد. این استوانه گلی که به منشور حقوق بشر کوروش معروف است پس از حمله ارتش ایران به بابل نگاشته شده است که در آن بر آزادی ادیان و برافتادن بردگی و آبادانی و آزادی تاکید شده است. در قسمت‌هایی از این کتیبه که بعد از ورود بدون خونریزی ارتش ایران به بابل نگاشته شده کوروش اعلام کرده است که« نگذاشتم رنج و آزاری به مردم این شهر و این سرزمین وارد آید». و در توضیح کار خود آورده است که «من برای صلح کوشیدم، نتبونید (پادشاه بابل) مردم درمانده بابل را به بردگی کشیده بود، کاری که در خور شأن آنان نبود.» از اعمالی که کوروش بعد از تسخیر بابل انجام داده به روایت استوانه «برانداختن برده‌داری» است چنانچه در آن پادشاه هخامنشی فرمان داده «همه مردم در پرستش خدای خود آزاد باشند و آنان را نیازارند و هیچ‌کس اهالی شهر را از هستی ساقط نکند.» رواداری کوروش و احترام به ادیان و تاکید بر آزادی‌های فردی در این فرمان باعث شده این فرمان به عنوان اولین منشور حقوق بشر در تاریخ شناخته شود. قالبی از این منشور در مقر دائمی سازمان ملل نگهداری می‌شود. به گزارش ایسنا حمید بقایی رئیس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری ایران پس از انجام مراحل قرار گرفتن منشور در محفظه مخصوص امانت این اثر باستانی را حاصل «توافق‌های پیشین میان موزه ملی ایران و موزه بریتانیا» دانست. به گفته بقایی برای نگهداری از منشور کوروش موزه ملی ایران از «لحاظ امنیتی، سیستم‌های حفاظتی فیزیکی، فنی و انفورماتیک به‌روز شده است» و این موضوع «مورد تایید کارشناسان موزه بریتانیا قرار گرفت». این انتقال با نظارت هیاتی به سرپرستی جان کرتیس مدیر بخش خاورمیانه موزه بریتانیا و مک‌گرگور مدیر موزه بریتانیا انجام شد. جان کرتیس هم ابراز امیدواری کرد امانت منشور کوروش «آغاز یک فعالیت طولانی فرهنگی بین ایران و انگلیس باشد و به برگزاری نمایشگاه‌های بیشتری منجر شود». امانت گرفتن منشور کوروش از موزه بریتانیا در یک سال گذشته با بحث و کشمکش‌های فراوانی همراه بود. اولین زمزمه‌های امانت گرفتن این اثر باستانی از سال ۱۳۸۳ آغاز شد اما به جایی نرسید تا اینکه چهار سال بعد حضور مدیر موزه بریتانیا در ایران باعث مطرح شدن دوباره این خواسته شد. براساس توافق‌های انجام‌شده در سال ۱۳۸۷، مدیر موزه بریتانیا به‌شکل رسمی آمادگی این موزه را برای امانت دادن منشور کوروش به ایران اعلام کرد. حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته باعث شد موزه بریتانیا این حوادث را بهانه قرار دهد و ایران را «از لحاظ سیاسی مکان مناسبی برای فرستادن منشور کوروش» نداند. یک ماه بعد موزه ملی بریتانیا اعلام کرد در دی‌ماه سال ۸۸ منشور را به ایران می‌فرستد اما این بار نیز با انتشار خبر پیدا شدن قسمت‌های شکسته‌شده آن امانت منشور کوروش به تعویق افتاد. این مساله به شدت باعث ناراحتی مسوولان ایرانی شد ... ادامه در صفحه ۸

تیترها

رئیس سازمان انرژی اتمی اعلام کرد

سوخت اتمی اوایل مهر به قلب رآکتور بوشهر تزریق می‌شود

صفحه ۲

آیت‌الله مکارم‌شیرازی: اگر آمار با واقعیت تطابق نداشته باشد مردم بدبین می‌شوند

صفحه ۲

یادداشتی از داریوش مهرجویی

هیچ‌کس مظلومیت مرا درک نکرد

صفحه آخر

در اول هفته شرق بخوانید

نبود تعهد سیاسی به توسعه

گفت‌وگو با دکتر حسین راغفر

صفحه ۵

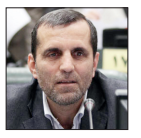

گزارش غلط به احمدی‌نژاد دادند

روایت علی‌اصغر یوسف‌نژاد

صفحه ۴

پرونده‌ای درباره روز ملی سینما

ابوالفضل جلیلی، منیژه حکمت و ...

صفحه ۱۳

سرمقاله

سیمای ما در منشور کوروش

سیدمحمد بهشتی

به اشیای تاریخی به دو صفت می‌توان نظر کرد؛ یکی شیء تاریخی به مثابه سندی از دورانی دور، گذشته‌ای سپری‌شده و روزنه‌ای که امری را در مقطعی تاریخی شهادت می‌دهد. این وجه البته برای اهل تاریخ بسیار اهمیت دارد و می‌تواند زوایای پنهان و مه‌آلود تاریخ را روشن کند و از پس پرده بیرون بیفکند. اشیای تاریخی در این وجه چراغی هستند که پرتوشان بر گذشته می‌تابد و (تاریخی را رقم می‌زنند که چراغ راه گذشته است) در جای خود، ارزش‌های بسیاری بر این وجه مترتب است و از آنجا که هر شیء گوشه‌ای و زاویه‌ای را آشکار می‌کند، اشیا یگانه و بی‌بدیل می‌شود. هر چه شیء تاریخی پرتوی پرنورتر داشته باشد و زاویه‌ای فراخ‌تر را به گذشته بگشاید، ارزشمندتر می‌شود. در بهترین حالت اشیای تاریخی شهادت می‌دهند که مردمی در دورانی دور «بوده‌اند». وجه دیگر اشیا صفت آیینگی آنهاست. اشیای تاریخی به مثابه آیینه‌ای پیش روی ما چهره‌ای از اهل سرزمینی را که شیء به آن تعلق دارد به نمایش می‌گذارد که معمولاً در هیچ آیینه دیگری قابل مشاهده نیست؛ چهره‌ای که معمولاً اهل آن سرزمین فراموش کرده‌اند، در اثر بیماری نسیان فرهنگی از خاطر اهل آن سرزمین رفته است و تا پیش از نظر انداختن در چنین آیینه‌هایی حتی منکر چنان چهره‌ای از خودشان هستند، چهره‌ای که وقتی پیش چشم‌شان ظاهر می‌شود احوال ایشان را دگرگون می‌کند. برایشان آشناست و دوست‌داشتنی. در این وجه اشیا وظیفه یادآوری را بر عهده دارند و به یاد اهل سرزمینی که شیء به آن مربوط است می‌آورند که «کیستند». منشور کوروش از جمله ارزشمندترین اشیا تاریخی است، هم به صفت اول هم به صفت دوم. صفت اول را اهل تاریخ می‌شناسند و عموماً همه آنچه در رسانه‌ها گفته می‌شود معطوف به وجه اول است. اما وجه دوم برای ملتی که چند قرنی است به مرور دچار نسیان فرهنگی شده است و چند دهه است که به مرور به آستانه تذکر نسبت به هویت خویش نزدیک می‌شود و تمنای به خاطر آوردن هویت خویش را دارد، از اهمیت بیشتری برخوردار است. در وجه آیینگی همه آثار تاریخی و فرهنگی ایران چهره یگانه ایرانیان را به نمایش می‌گذارد؛ گاه مه‌آلود و گاه شفاف، گاه جزیی از چهره را و گاه تمام‌قد. هرچه در وجه اول آثار هر یک بی‌بدیل و یگانه هستند و مجموعه آثار متنوع و متکثر، در این وجه چهره‌ای که به نمایش می‌گذارند یگانه و بی‌بدیل است، و اهل یک قبیله بودن آثار آشکار می‌شود چراکه همه رو به سوی یک قبله دارند و آن فرهنگ ایرانی است. به این صفت است که نوروز، شاهنامه، منشور کوروش، تخت جمشید، میدان نقش جهان، مثنوی مولانا، دیوان حافظ، باغ فین و... این همه نزد ایرانیان عزیز هستند. منشور کوروش به صفت آیینگی آشکار می‌سازد که ما «کیستیم» که ما اهل احترام به حقوق کسانی هستیم که در سایه مشترک همسایگی، همچون ما نمی‌اندیشند ولی همنشین ما هستند، نشان می‌دهد که آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است با دوستان مروت با دشمنان مدارا. به ما نشان می‌دهد تنگ‌نظری، تحمیل اندیشه قالب بر دیگران، خشونت، تکثیر با اکتفا به ظاهر دین، انزواطلبی و... موافق طبع فرهنگی ایرانیان نیست. اگر حکومت‌های پیش از کوروش، به استناد اسنادشان، افتخارشان تخریب آبادی‌های دیگران بود، افتخار کوروش آباد کردن خرابی‌های دیگران بوده است. اگر حکومت‌های پیش از او با تکیه بر عمود غضب خیمه قدرت خود را برافراشته بودند، او با تکیه بر عمود مهر بر دل‌های مردمش خیمه زده بود. در ملاقات با منشور کوروش ما باید در جستوجوی آن چهره مشترکی از خویش باشیم که در همه آثار یگانه فرهنگ و تاریخ ایران، ایرانی را تمام‌قد از سایه فراموشی به آفتاب می‌آورد. زیارت منشور کوروش زمانی مقبول خواهد بود که فصل مشترک آن با نوروز، عرفان ایرانی، اصفهان صفوی، گلستان سعدی و... و بیداری جامعه ایرانی ادراک شود. هر چیز اصیل و ارزشمندی را فراوانی نمونه‌های تقلبی تهدید می‌کند، نکند که در این ملاقات دچار ادراک تقلبی بشویم.

خبر آخر

پرسپولیس مساوی، استیل‌آذین شکست

پرسپولیس تهران در هفته هشتم لیگ برتر فوتبال، مقابل پاس همدان متوقف شد و استیل‌آذین هم از تیم صبای قم شکست خورد. دیروز تیم‌های فوتبال پرسپولیس تهران و پاس همدان در ورزشگاه آزادی تهران به مصاف هم رفتند که این بازی در پایان با نتیجه یک - یک مساوی تمام شد. گل‌های این بازی را «محمد نوری» در دقیقه ۲۷ برای پرسپولیس و «مهدی آقامحمدی» در دقیقه ۹۱ برای پاس به ثمر رساندند. در دیگر میدان نیز تیم صبای قم توانست با نتیجه یک بر صفر از سد استیل‌آذین عبور کند.

حرف اول

۱۱ سپتامبری خطرناک‌تر از انفجار برج‌های دوقلو

محمدعلی ابطحی

گویا روز ۱۱ سپتامبر از روزهایی است که قرار است نماد دینداری خشونت‌آمیز باشد. شاید بهتر باشد که گفته شود ۱۱ سپتامبر قرار است خشونت‌مداران و افراطیون دور از خدا به نام دین، بدترین ضربه‌ها را به خدا و دین خدا بزنند. امسال با تصمیم شیطنت‌آمیز و جاهلانه کشیش تری جونز در فلوریدای امریکا مبنی بر آتش زدن قرآن، فراز جدیدی در پرونده دین‌ستیزی به مناسبت ۱۱ سپتامبر گشوده شد. گستاخی یک کشیش افراطی که یا نام و نان خود را در این تصمیم جسورانه می‌بیند یا بدتر از آن باور متحجرانه‌ای از دین مسیح او را احاطه کرده است که معتقد است، هر کسی دینی جز دین او دارد باید نابود شود یا حتی وقتی روزنامه واتیکان و مسیحیان زیادی در عالم این کار را محکوم می‌کنند، معتقد است هر قرائتی از مسیحیت هم که خلاف نظر کشیش جونز باشد باید از بین برود، همان بدترین خطری است که می‌تواند در حوزه ادیان بیفتد. بزرگ‌ترین جنگ‌ها و خونریزی‌های تاریخی که به نام دین و به خصوص بزرگ‌ترینش که در جنگ‌های صلیبی صورت پذیرفت از خاستگاه این نگاه به دین بود که یک نماینده دینی آنچه را خودش می‌فهمد به نام دین معرفی می‌کند و بقیه باورها و قرائت‌ها را کفر می‌شمارد و خون آنان را مباح می‌داند. کشیش جونز نباید اینقدر از نظر اجتماعی و سیاسی بی‌اطلاع باشد که نفهمد کسی که در خانه شیشه‌ای نشسته، حق سنگ انداختن به دیگران را ندارد. تنها در یک صورت کار او توجیه دارد و آن اینکه باور اعتقادی داشته باشد که باید آنانی که اعتقادات او را قبول ندارند، از صحنه زمین محو شوند، که در آن صورت باید حق بدهد دیانتی هم که جونز به آن اعتقاد دارد نیز نابود شود. متاسفانه اگر این نگاه دارای پشتوانه سیاسی هم باشد خطرات بزرگ‌تری را برای بشریت به ارمغان می‌آورد. همچنان‌که کلیسایی که آقای بوش به آن تمایل داشت، همین نظریه را داشت که عامل حملات ناپخته و جهانسوز او به عراق و افغانستان شد و این همه قربانی گرفت. قاطی شدن سیاست با برداشت‌های متحجرانه و خشونت‌طلبانه از دین، هم القاعده و بن‌لادن را می‌آفریند و هم کشیش جونز را. طالبانیسم که ۱۰ سال قبل حادثه تلخ برج‌های دوقلوی نیویورک را آفرید مربوط به همان برداشت و قرائت نادرست و انحرافی وهابیگری افراطی اسلامی بود که بی‌شک در طول تاریخ هیچ حادثه‌ای نتوانست در این حجم جهانیان را نسبت به اسلام و مکتب پر رافت و فراگیر آن بدبین کند. از قضای روزگار این گروه افراطی توسط امریکا و کشورهای عربی طرفدار امریکا سازمان یافت، آموزش دید و پر کینه شد تا با استفاده از احساسات مذهبی آنان، با «کفر» کمونیستی بجنگند. ادامه در صفحه ۲

معرفی تورها
هتل‌ها
رستوران‌ها
آژانس‌های مسافرتی

واحد گردشگری سازمان آگهی ها تلفن: ۳۳-۲۲۰۳۸۰۲۴

در صفحه‌های ۱۰ و ۱۱

تشریفات	۲۲۸۵۲۵۲۸
آفتاب کلوت	۶۶۴۸۸۳۷۴-۵
ایرانیان مهر	۲۲۲۲۰۳۳۳
سام سیر	۲۲۰۷۷۰۷۷
ستاره شرق	۸۸۸۸۵۰۹۴
آرتیمان	۲۶۴۰۰۳۶۹-۷۱
پرساووش	۸۸۹۷۴۱۴۱-۳
نیکنام	۸۸۸۰۸۸۹۰
پارسیان مهر گشت	۸۸۸۴۹۹۷۵
بهار پرستوها	۸۸۵۲۴۸۵۶